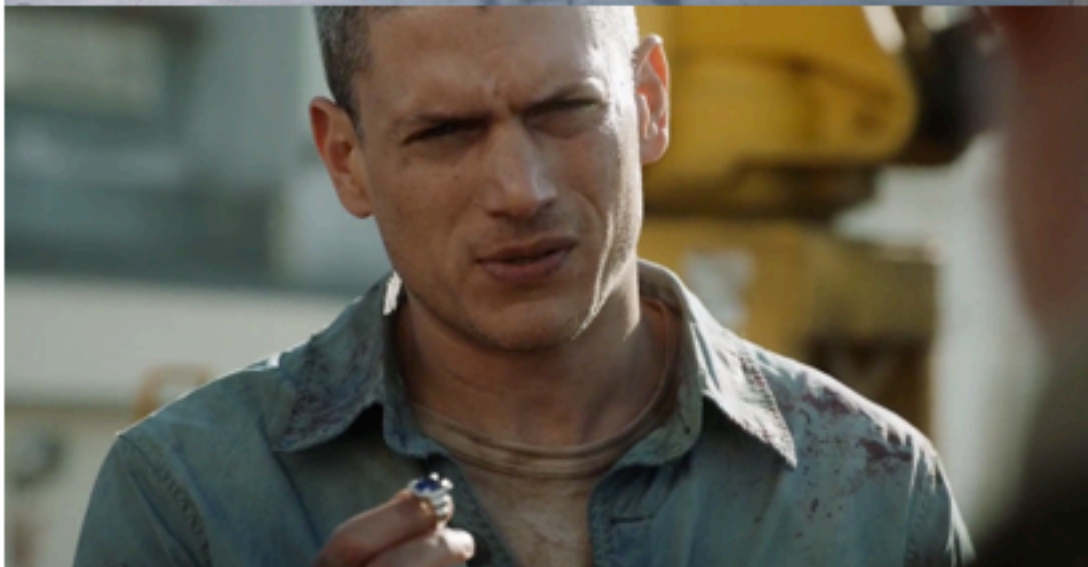


لغات و اصطلاحات سریال
فرار از زندان فصل ۵ قسمت ۷



محمد دوجی ۹۶/۰۳/۰۸

Prison Break 7

It's incredible how good you've gotten at drawing.

شگفت انگیزه (خیلی عالی) که چقدر نقاشیت خوبه.

That's so good.

این خیلی خوبه.

I got to keep it clean.

باید تمیز نگهش دارم.

They'll arrest him on sight.

به محض دیدنش دستگیرش میکنند.

What kind of brother are you?

تو چطور برادری هستی؟

you say something like that again. I swear to God, I'll kill you.

دوباره همچین چیزی بگی. به خدا قسم میکشمت.

There might be a third option.

شاید راه سومی باشه.

So how was your first day back?

خب اولین روز برگشتنت چطور بود؟

he is lost a lot of blood.

خون زیادی از دست داده.

He needs a lot of blood.

خون زیادی لازم داره.

You won't find it where you're going.

جایی که داری میری پیدااش نمیکنی.

I'll call you back.

بعدا باهات تماس میگیرم.

I got to go.

من باید برم.

He contacted you just now?

همین الان باهات تماس گرفت؟

I think I'm the only one that can help him.

فکر میکنم من تنها کسی هستم که میتونه کمکش کنه.

You don't owe him that.

بهبش همچین دینی نداری.

I don't have a choice.

من چاره ای ندارم.

When I could have tried to save him, ..

وقتی میتونستم سعی کنم نجاتش بدم، ..

and if I told you not to go..

و اگه بت میگفتم نرو..

are you telling me not to go?

داری بهم میگی نرو؟

you're about to see the wife you haven't seen in seven years.

داری زنی رو میبینی که هفت ساله ندیدیش.

I can start over.

میتونم از اول شروع کنم.

And unless you say you need me, I'd like to stay.

و اگه بهم نگین بهم نیاز دارین، دوست دارم اینجا بمونم.

The choice is yours.

انتخاب با خودته.

I owe you my life.

زندگیم رو مدیونتم.

You gave me back the world.

دنیا رو دوباره بهم دادی.

How far is it to Greece?

تا یونان چقدر مونده؟

I was right.
حق با من بود.

We got problems.
مشکل داریم.

They have no viable information.
اونا هیچ اطلاعات قابل استنادی ندارن.

You got any food for him?
غذایی برایش داری؟

spirit
روح - روحیه - جان

keep his spirits up.
روحیه ش رو بالا نگه دار.

Still got a lot of things to tell me, you know?
میدونی که هنوز حرفای زیادی باید بهم بگی.

I'm gonna fix you up.
درمونت میکنم. (خوبت میکنم)

maybe there's something to destiny.
شاید دست سرنوشته.

Is he gonna live?
زنده میمونه؟

give him a couple hours.
چند ساعت بهش وقت بده.

I'm right here.
من همین جام.

We need to work out a way to get off this island.
باید یه راه برا رفتن از این جزیره پیدا کنیم.

What I said, about you...
چیزی که گفتم، درمورد تو...

I was wrong.

اشتباه می‌کردم.

A man would be lucky to have a brother cares as much as you.

آدم خوش شانس که برادری که اندازه ی تو مراقبش داشته باشه.

I wouldn't call it luck.

اسمش رو شانس نمی‌ذارم.

You've been through what we've been through.

چیزی که ما کشیدیم رو تو هم کشیدی.

I wanted to follow up on our conversation.

میخواستم صحبتمون رو ادامه بدیم.

Who are you working for, really?

شما واقعا برای کی کار میکنین؟

why were you trying to take out Kaniel Outis?

چرا سعی داشتین کانیل اوتیس رو از بین ببرید؟

never thought I would see this face again.

هیچوقت فکر نمی‌کردم دوباره این صورت رو ببینم.

I'll tell you everything you want to know.

هر چیزی که بخوای بدونی رو بهت میگم.

I promised you I would never do that.

بهت قول داده بودم هیچوقت اینکارو نکنم.

He's just like you.

درست مثل توئه.

What's wrong?

چی شده؟

it's him.

خودشه.

I knew it.

میدونستم.

I wasn't crazy.

دیوونه نبودم.

I caught him lying.

دروغش رو فهمیدم.

What does this have to do with you?

اینا چه ربطی به تو داره؟

he targeted me for my skills.

بخاطر مهارت هام منو هدف قرار داد.

He told me if I didn't agree to come work for him..

بهم گفت اگه نیام بر اش کار نکنم..

he put you both in jail.

جفتتون رو میندازه زندان.

He said I could never see either one of you again.

گفت دیگه نمیتونم هیچکودوم از شما رو ببینم.

This is not on you.

این به تو ربطی نداره.

Why did you come back now?

چرا الان برگشتی؟

he betrayed me.

اون بهم خیانت کرد.

And now I know why.

و الان دلپیش رو میدونم.

How did he betray you?

چطوری بهت خیانت کرد؟

he set a meeting.

اون یه جلسه گذاشت.

We were supposed to discuss my next assignment.

قرار بود درباره ی ماموریت بعدیم صحبت کنیم.

I knew I was being set up.

میدونستم برام پاپوش دوخته.

He was tightening his control over me.

داشت کنترلش روی من رو بیشتر میکرد.

But there was nothing I could do.

ولی هیچ کاری از دستم برنمیومد.

At least, that's what he thought.

حداقل این چیزیه که فکر میکرد.

There is a plan to make this right.

یه نقشه برای درست کردن این هست.

I'm gonna do one better.

میخوام یه کار بهتر کنم.

Who you calling?

به کی زنگ میزنی؟

I would love to help.

خیلی دوست دارم کمک کنم.

What I mean is it's not my ship.

منظورم اینه که کشتی مال من نیست.

We're just trying to get home.

فقط میخوایم بریم خونه.

You know we don't have that kind of cash.

میدونی اونقدری پول ندارم.

Heirloom

ارثیه - دارایی

I can't think of a better use for it.

استفاده ی بهتری براش فکر نمیکنم باشه.

He's not gonna hurt Mike.

اون به مایک آسیبی نمیرسونه.

If you remove his mask..

اگه نقابش رو برداری..

you know him better than I do.

از من بهتر میشناسیش.

That's the point.

نکته ش همینجاست.

No one knows him.

هیچکس نمیشناسه اونو.

What do I do?

چیکار کنم؟

please come back to us.

لطفا برگرد پیشمون.

Return to the U.S. in the next day or two.

تا یکی دو روز دیگه به آمریکا برگرد.

He's got to be on one.

باید تو یکیشون باشه.

I can't believe it.

باورم نمیشه.

Don't mess with him.

سر به سرش نذار.

Cargo

بار – محموله دریایی

here's the cargo I was telling you about.

اینم محموله ای که دربارش بهتون میگفتم.

Pay up.

پول رو بده.

The boat is the last place I expected to find you.

کشتی آخرین جاییه که انتظار داشتم پیدات کنم.

I thought you hated the water.
فکر میکردم از آب نفرت داشتی.

I had a big day.
روز سختی داشتم.

Were you able to help him?
تونستی کمکش کنی؟

he is changed.
اون فرق کرده.

He's just not the guy I knew.
اونی که میشناختم نبود.

You said that he was asleep.
گفتی که خوابیده.

I'm such an idiot.
چه احمقیم.

A naval alert just went out.
همین الان اخطار دریایی فرستاده شد.

It was reported by the ship's capitan.
ناخدای کشتی گزارش داده.

What's the navy gonna do about it?
نیروی دریایی میخواد دربارش چیکار کنه؟

have some faith.
یکم ایمان داشته باش.

I think Linc's got a secret girlfriend.
فکر کنم لینک یه دوست دختر مخفی داره.

Look, let's just change the subject, please.
ببین، خواهشا بیاین موضوع رو عوض کنیم.

It's locked from the outside.
از بیرون قفل شده.

You really are a wanted terrorist.

تو واقعا يه تروريست تحت تعقيبى.

What did the hell did you think he was saying?

پس فكر ميكردى چى داشت ميگفت؟

comply

موافقت كردن – اجابت كردن

comply or be fired on.

اطاعت كنيد وگرنه بهتون شليك ميشه.

This ship is now under the control of the U.S. Navy.

اين كشتى الان در كنترل نيروى دريائى ايالت متحده ست.

We got company.

مهمون داريم.

I say we jump.

من ميگم بپریم.

I'll go left, you right.

من از چپ ميرم، تو راست.

They went out the window.

اونا از پنجره رفتن بيرون.

What do you see?

چى مي بينى؟

copy that.

دريافت شد.

Take it off.

برش دارين.

I got no part in any of this.

من هيچ نقشى تو اين ماجراها نداشتم.

I haven't seen him in years.

سالهاست نديدمش.

That's the door Sucre told us about.
این دریه که سوکره درباره ش بهمون گفت.

Maybe they're your friends, not mine.
شاید دوستای تو باشن، نه من.

Weapons
سلاح

munitions
مهمات

they're not gonna like you if they find that.
اگه پیدااش کنن ازت خوششون نمیداد.

See what their next move is.
ببینیم حرکت بعدیشون چیه.

Do you remember our honeymoon?
ماه عسلمون رو یادت میاد؟

I forgave you for the lies.
برای دروغ ها بخشیدمت.

How is that not enough for you?
این چطور برات کافی نیست؟

navigation's been trashed.
مسیریابی خراب شده.

Imperative
ضروری - دستوری - امری

I have an ask, on that's imperative.
باید یه سوال ضروری بپرسم.

What are they doing?
دارن چیکار میکنن؟

they are leaving.
دارن میرن.

Mike is safe where you can't touch him, and this is over.
مایک جایی که نمیتونی بهش دست بزنی در امانه و این قضایا تمومه.

All of this could've been avoided.
همه این اتفاقات میتونست نیفته.